

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

سبوشکن!!!

(از خاطرات گذشته)

به اقتفاء ازین شعر «یغما جندقی»

نگاه کن که نریزد، دهی چو باده به دستم
فدای چشم تو ساقی، بهوش باش که مستم
بدست خود که ز یک توبه ای، سبو بشکستم
بهار را چه کنم کز بریدن است دو دستم
چه جامها که کشیدند و جرعه ای نچشیدم
چه جوش گل که گذشت و به دلبری ننشستم
چه بارها که مرا دخت رز نشسته به پهلوی
چه سر نهاده به دوشم، چه دست داده به دستم
چه روزها به خرابات، دیده اند خرابم
به کوی میکه هم یافتند سرخوش و مستم
کنون که وقت گل و جوش سنبلیست و ریاحین
اگر ز باده کشی نیستی، برای چه هستم
به یاد لعل لب تو چه خون دل که نخوردم
به تار زلف سیاهت چه آرزو که نبستم
چه طعنه ها که ز مردم به عشق تو نشنیدم
چه رشکها که به یادت نریختم ز دو دیده
چه اشکها که به یادت نریختم ز دو دیده
چه روزها که به سوز فراق، شام نکردم
چه شامها که به یساد تو تا سحر ننشستم

مکن دگر ز «اسیر» خود ای نگار تغافل

که گر ز دام تو جستم، بدان که جستم و رستم

(کابل عزیز - 2 جوزای 1332 ش)